

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۳ نومبر ۲۰۲۲

تقدیم چند سرود برگردان از ترکی به فارسی،

با هدف آزادی توماج صالحی و همه زندانیان سیاسی!

به دنبال قتل مهسا امینی، دختر ۲۲ ساله سقزی، انقلاب نوینی در ایران با شعارهایی همچون «زن، زندگی، آزادی» و «نان، کار، آزادی، اداره شورایی»... آغاز شد که اکنون این انقلاب، وارد مرحله حساس‌تر و سرنوشت‌سازی برای سراسر جامعه ایران شده است؛ اعتصابات سراسری سازمان‌دهی می‌شود؛ در بیش از ۱۰۰ دانشگاه کشور اعتصاب و اعتراض روزانه در جریان است؛ حکومت اسلامی هم روزبه‌روز ناتوان و درمانده‌تر می‌شود و در تکاپوست که معترضان را وابسته به قدرت‌های خارجی جلوه دهد، با این وجود، همبستگی با زنان شجاع و معترضان ایران، نه تنها منطقه، بلکه جهان را فرا گرفته است. در ترکیه نیز این همبستگی جلوه ویژه‌ای دارد.

طی ۹ هفته گذشته، صدها نفر از ورزشکاران، هنرمندان، نویسندگان، اساتید دانشگاه‌ها و غیره در سطح ایران و جهان که تاکنون به‌ندرت موضع سیاسی می‌گرفته‌اند، از اعتراض سراسری مردم بیش از ۱۱۰ شهر این کشور به جان‌باختن غم‌انگیز مهسا امینی بر اثر برخورد گشت ارشاد پلیس حکومت اسلامی، حمایت کرده‌اند.

این کمپین حمایتی، ابعادی چنان فراگیر، بی‌سابقه و حتی ساعت‌افزون یافته که موجب خشم نهادهای قضایی و امنیتی حکومت اسلامی ایران شده است. غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رییس قوه قضاییه ایران، تهدید کرد «کسانی که با حمایت این نظام مشهور شدند»، ولی «جوانان را تحریک کردند که به خیابان بیایند... به سزای اعمال‌شان خواهند رسید». حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان نیز گفته است: باید خسارت اغتشاشات را از اموال سلبریتی‌ها گرفت! به امید این که هرچه زودتر در زندان‌های حکومت اسلامی با قدرت جوانان دختر و پسر انقلابی و با حمایت همه جنبش‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و همه مردم آزاده ایران با حامیان بین‌المللی‌شان باز شود و همه زندانیان سیاسی و اجتماعی آزاد گردند!

چند روز پیش رسانه‌های حکومتی با انتشار عکسی از یکی از کلیپ‌های موسیقی توماج صالحی، این رپ‌خوان از بازداشت این خواننده رپ اعتراضی و از معترضان اعتراضات سراسری کنونی در ایران هنگام خروج از کشور خبر دادند.

توماج صالحی، رپ‌خوان انقلابی محبوب و مردمی توسط نیروهای امنیتی حکومت دستگیر و به‌جای نامعلومی انتقال داده شده است. از جمله به‌نوشته تسنیم، برگزاری وابسته به نهادهای امنیتی حکومت، توماس صالح از خوانندگان زیرزمینی رپ و ساکن شاهین‌شهر است.



این خبرگزاری نوشته است: «او شهریورماه سال گذشته نیز برای مدتی در بازداشت بهسر می‌برد.» این خبرگزاری حکومتی، همچنین ادعا کرده است: «توماج صالحی در اتفاقات اخیر در صفحه توئیتر خود به تبلیغ خشونت و درگیری با نیروهای مسلح و ساخت کوکتل مولوتف می‌پرداخت و اخبار جعلی منتشر می‌کرد. او همچنین با انتشار فراخوان‌های مختلف برای شهرهای کشور در تبلیغ اغتشاشات نقش داشت. صالحی حتی حادثه تروریستی شاهچراغ را که گروهک داعش مسئولیت آن را برعهده گرفت، متوجه نظام کرده بود. او همچنین در شهر محل زندگی‌اش شاهین شهر نیز برای برپایی تجمع با فراخوان دادن و اعلام مکان تجمع تلاش می‌کرد.»

اگر یادمان باشد چند ماه پیش توماج با سرود «سوراخ موش بخر» شجاعانه به شروع این جنبش کمک کرد. پس از خواندن این سرود بود که، بنا به گزارش‌ها دوشنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۰، ماموران امنیتی اقدام به حمله و بازداشت توماج صالحی خواننده رپ و هنرمند مردمی کردند و او را با خود به نقطه نامعلومی بردند. یک منبع مطلع گزارش کرد ماموران امنیتی با ۴ خودرو و ۱۲ نفر به خانه این هنرمند مردمی حمله کرده و ضمن تفتیش منزل و ضبط برخی اقلام شخصی وی او را با خود بردند. توماج صالحی که به گفته خودش در کارگاه فلزکاری کار می‌کند در ترانه‌هایش از جمله به بحران‌های اجتماعی، فساد اقتصادی، تبعیض جنسیتی، اعتیاد، سرکوب‌های امنیتی، عدم آزادی بیان و اندیشه و... پرداخته است. توماج صالحی پیش از بازداشت در توئیترش از احتمال بازداشت خود خبر داده و از جمله نوشته بود: «خب، رفقا من گوشی رومیندازم دور چون احتمالاً از طریق این لوکیشنم رو دارن، نگران نشین، نمی‌دارم دستگیرم کنن چون کار داریم باهاشون، تا چند روز دیگه یه گوشی امن جور می‌کنم، فعلاً» توماج، همچنین در پست دیگری گفته بود:

بدونید که من از مرگ و حبس و شکنجه نمی‌ترسم، ترس من از اینه که تن‌فروشی از فقر ببینم و خفه شم، مردم رو تا کمر تو سطل آشغال ببینم و خفه شم، ببینم کارگر رو می‌زنی خفه شم، معترض رو می‌کشی بعد داغدارش رو حق خواهش رو شکنجه میکنی و خفه شم... بین ما و شما دریای خونه...» توماج صالحی شهروند اهل اصفهان، یک هنرمند مردمی است و بارها اعلام کرده بود که تنها از مردم حمایت می‌کند. به‌دنبال بازداشت توماج صالحی کاربران در فضای مجازی نسبت به این اقدام اعتراض کرده و با هشتک #FreeToomaj خواستار آزادی این خواننده مردمی شدند.

یکی از کارهایی که گفته می‌شد ممکن است از دلایل بازداشت توماج صالحی باشد اجرای رب «سوراخ موش بخر» بوده است.

متن رب سوراخ موش از توماج صالحی:

اگه دیدی درد مردمو ولی چشواتو بستى، ظلم به مظلوم رو دیدی و از کنارش رفتی
اگه از ترس یا واسه منفعتت خودت رفت، توهم هم دست ظالم هستی توهم مجرم هستی
اگه خودتو به خواب زدی وقتی که خونارو می ریختن، گرفتار کسبتي وقتی جون جوونا رو میگیرن
اگه وسط بازی وسط بودی و گفتی سیاست چی هست، بدون رای سفید نداریم بی‌طرف نداره این جنگ
اگه دست رو چشمت گذاشتی دستات خونین، خائنی اگه تربیون داری و حرفات بو میدن
دوری از وطن و دوربین‌های ما کم سو نیستن، یادت باشه کثافتای پشت ابر لو میرن
اگه سرپوش گذاشتی رو قتل توهم قاتلی، واسه پوشوندن جنایت باید رو خون راه بری
بدون ماله کشیدن تو این سیستم کامل نیست، ایران این‌قدر زندان داره که همتون جابشین
ژورنالیست بازاری، مخبر دوزاری، هنربند درباری، سوراخ موش بخر
مامور، معذور، از بالا دستور، جلاد مجبور، سوراخ موش بخر
سوپاپ اطمینان، منسوب بی‌اختیار، اصلاح‌طلب حزب باد، سوراخ موش بخر
صادراتی، نایاکی، زیرو رو کش، چارتایی، بده هرچی دلار داری سوراخ موش بخر
چه هنرمندی که خبر از نون بُری نداری، شاشیدم به اُسکارت اگه مردمی نباشی
پاره می‌کنم کلافت رو که دیگه چرند نبافی، چه شهاب دولتی باشی چه اصغر فرهادی
چه بازیکن حکومتی و چفیه لیسى، چه بازیگر صادراتی و الهه هیکسى
شما خود فروش پولین عرصه مقام فیکسین، عین زالو جیره خورا شما از خلاق نیسین
لاشی کارون با آب معدنی که پر نمی‌شه، خوزستان ژتون نمی‌خواد، صاحب کل می‌زه!
آزادی گرونه، باشه آزاده کشته می‌ده، یادتون باشه خون فقط با خون شسته می‌شه
تیر بزن از پشت سر، بگش تشنه‌ها رو، به قتل حق خواه نامسلح افتخار کن
می‌روم اسب جنایت، بزن رنگ و لعاب رو، بگیر از من مژده فردا و تقاص رو...
ژورنالیست بازاری، مخبر دوزاری، هنربند درباری، سوراخ موش بخر
مامور، معذور، از بالا دستور، جلاد مجبور، سوراخ موش بخر
سوپاپ اطمینان، منصوب بی‌اختیار، اصلاح‌طلب حزب باد، سوراخ موش بخر
صادراتی، نایاکی، زیرو رو کش، چارتایی، بده هرچی دلار داری سوراخ موش بخر
منتظر ناجی نباش، خبری توراه نیست، نجات‌دهنده خودتی، خودت قهرمانی
من و تو اگه ما بشیم، بیکرانیم. ما منجی زمانه‌ایم، امام زمانیم...



توماچ صالحی

ترجمه رپ‌های ترکی زیر را به دختران و پسران انقلابی و همچنین توماچ عزیزمان تقدیم می‌کنم.



سخنان سیلا درباره زنان ایرانی و آهنگ kalksin uyuyanlar (بیدار شو)

آزادی عصیان و یا شورش نیست، آزادی وابسته به هیچ شرایطی نیست، آزادی فقط متعلق به شخص دیگری نیست، آزادی چیزی شخصی است. یک تصمیم است، یک هدف است، از قبل وجود داشته و یک حق پایه است. آزادی این است که با اطمینان و بدون ترس، به تحمیل «نه» گفتن و سخره‌ای که در قلبت فرورفته را کندن و پرتاب کردن است.

برای ظالم عقل، مسیر دل، شفا و وجدان آرزو کردن و هر کس که نمی‌فهمد به آن فهماندن دینیست بر گردن ما.

همه برادران و خواهرانم در جهان که باورشان به آزادی را از دست داده‌اند، خواهران ایرانی من که به دنبال عزت خود هستند، سوگند یاد کرده‌ام که دستان مقاوم شما را محکم بگیرم.

آن پرچم مال ماست.

آن پرچم ما هستیم.

مو آزاد و بدون دفاع است.

زمانه... خواهد چرخید.

Özgürlük isyan değildir, koşullara bağlı bilinir, değildir. Özgürlük başkasına ait değildir,

şahsidir. Karardır, emeldir, zatendir

Dayatılana “Hayır” demeyi emin olarak, ürkmeden söylemek, içine çöken kayayı kalbinden çıplak elle fırlatmaktır özgürlük

Zulmedene akıl, gönül yolu, şifa ve vicdan dilemek, anlamayan herkese anlatmak

boynumuzun borcudur

Hürriyete inancı kırılmış dünyalı bütün kadın kardeşlerim, haysiyetinin peşinde koşan İranlı kadın kardeşlerim, dirençli ellerinizi çareyle tutmaya yemin ettim

O bayrak bizim

O bayrak biziz

Saç savrulan ve haliyle savunulmayandır

Devran... Döner

kalksin uyuyanlar

(بیدار شو)

İlk iş kalktım sigara yaktım

اولین کار بلند شدم و سیگاری روشن کردم

Belki tütündedir çaresi

شاید چاره در توتون باشد

Ne kadar ayrılık şarkısı varsa dinledim

هرچه آهنگ جدایی بود را گوش دادم

Anladım herkesin aynı yerde yâresi

فهمیدم که همه دردها مشترک است

Kim bilir bugün bi' şeyler değişir

کسی چه می‌دونه شاید امروز چیزی تغییر کرد

Zamansız şarkılar döner evine

آهنگ‌های بی‌انتها به خانه باز می‌گردند
 Alacakaranlık bastı mı dellendir
 آیا هوا گرگ و میش است؟
 Kalpse kalp, yürekse yürek
 قلب به قلب، دل به دل
 Ayrılığımız zor, bi' o kadar sahici
 جدایی ما سخته و به همان اندازه واقعی
 Bana kalsa yansın ışıklar, kalsın uyuyanlar
 اگر دست من باشه، چراغ‌ها روشن شوند، همه کسانی را که خوابند بیدار کنید
 Dibe vura vura yaşayalım gidişini
 بیا بید تا ته تهش زندگی کنیم
 Dibe vura vura yaşayalım gidişini
 بیا بید تا ته تهش زندگی کنیم
 Ayrılığımız zor, bi' o kadar sahici
 جدایی ما سخته و به همان اندازه واقعی
 Bana kalsa yansın ışıklar, kalsın uyuyanlar
 اگر دست من باشه، چراغ‌ها روشن شوند، همه کسانی را که خوابند بیدار کنید
 Dibe vura vura yaşayalım gidişini
 بیا بید تا ته تهش زندگی کنیم
 Dibe vura vura yaşayalım gidişini
 بیا بید تا ته تهش زندگی کنیم
 Bilirsin, acı umut etmeye zorlar
 می‌دونی، درد تو را مجبور به امید می‌کنه
 Yokuş yukarı koşanlar iyi bilir
 آن‌هایی که به سر بالایی می‌دوند خوب می‌دوند
 Benimle sar acıyan yerlerini
 با من ببند آن جاهایت که درد می‌کنه
 Desen bi' türlü, demezsin gün gelir
 روزی می‌رسه که نگویی الگو به چه نحوی است
 Kim bilir bugün bi' şeyler değişir
 کسی چه می‌دونه شاید امروز چیزی تغییر کرد
 Zamansız şarkılar döner evine
 آهنگ‌های بی‌انتها به خانه باز می‌گردند
 Alacakaranlık bastı mı dellendir

آیا هوا گرگ و میش است؟

Kalpse kalp, yürekse yürek

قلب به قلب، دل به دل

Ayrılığımız zor, bi' o kadar sahici

جدایی ما سخته و به همان اندازه واقعی

Bana kalsa yansın ışıklar, kalsın uyuyanlar

اگر دست من باشه، چراغها روشن شوند، همه کسانی را که خوابند بیدار کنید

Dibe vura vura yaşayalım gidişini

بیایید تا ته تهش زندگی کنیم

Dibe vura vura yaşayalım gidişini

بیایید تا ته تهش زندگی کنیم

Ayrılığımız zor, bi' o kadar sahici

جدایی ما سخته و به همان اندازه واقعی

Bana kalsa yansın ışıklar, kalsın uyuyanlar

اگر دست من باشه، چراغها روشن شوند، همه کسانی را که خوابند بیدار کنید

Dibe vura vura yaşayalım gidişini

بیایید تا ته تهش زندگی کنیم

Dibe vura vura yaşayalım gidişini

بیایید تا ته تهش زندگی کنیم

Dibe vura vura yaşayalım gidişini

بیایید تا ته تهش زندگی کنیم

Dibe vura vura yaşayalım gidişini

بیایید تا ته تهش زندگی کنیم

خواننده: آنیل آجار



Unutulacak Dünler

دیروزها باید فراموش شود

Kurumuş boğazım
گلویم خشک شده
Bekliyorlar yol ağzında onlar
آن‌ها بر سر راه منتظر من هستند
Bir gün beni sorarlarsa suscan
اگر روزی سراغ مرا گرفتند، سکوت کن
Elin kanlı çünkü abi demir kapı bundan
دستت خونی‌ه چون از این به بعد در آهنینه، برادر
Ne özlemi hasret suçun doğasında varsa
چه اشتیاقی به حسرت، در طبیعت وجود دارد
Yoksulun merhameti gasp
چاره فقر، گدایی و دزدی است
Elinde saz
تار در دستت
Hep beklemiş gözlerinde yaş
همیشه اشک روی چشمانش منتظر بوده
Sirtında yas
بار یاس بر پشت
Gün gelecek teraziyi bu insanlar tekmeleyecek
روزی انسان‌ها ترازوی عدالت را لگدمال خواهند کرد
Biz tanıgız keşmekeşe
ما این کشمکش را شاهد خواهیم بود
En önden arz edicez
ما در جلو فریاد می‌زنیم
Ben sesimden fark edicem yaşlandığımı
سال‌خوردگی‌ام را از صدایم متوجه می‌شوم
Ya da her şarkıyı veda niyetiyle yazdığımdan
یا وقتی هر آهنگ را به قصد وداع نوشتم
Sana çirkin hazlarımdan aşklarımdan geri kırıntılar kalcak
از لذت‌ها و عشق‌های زشت من فقط خرده‌هایی باقی خواهد ماند
Ve bu yalnız olacak
و تنها این خواهد بود
Senin yandığından daha fazla yanan insanları duymuyorsan eğer
اگر انسان‌هایی که از تو بیش‌تر در می‌کشند را نمی‌بینی

Nasıl olcaz arkadaş
 چه‌طور خواهد شد دوست من
 Böyle avuç kadar üstümüzde borcu kalır
 این‌ها مشت مشت بر پشت ما سنگینی کرده
 Ve iyimser bir gül açar parklara
 و گل سرخ خوشبینی در پارک‌ها شکوفا می‌شود
 Unutulacak dünler
 دیروزها فراموش خواهد شد
 Yaşanılacak günler var
 روزهایی که می‌توان زندگی کرد وجود دارد
 Öyle günler var
 چنین روزهایی وجود دارد
 İnan
 باور کن
 Yalanmış ziyanmış hayat
 نگو زندگی از دست رفته
 Deyip gitme
 سر سری نگو و رد نشو
 Hep utancın kar kışında kaldık
 ما همیشه در برف زمستان شرم ماندیم
 Alkışlara kandık
 تمسخر شدیم
 Öyle yorgun öyle beter sabahlara kalktık
 صبح‌های خسته‌کننده و سختی را در مقابل داشتیم
 Bir hayalim gözlerinde saklı
 رویای من در چشمان تو پنهان است
 Ne giden var ne beklenen yarınlardan artık
 از فردا نه کسی می‌رود نه به انتظار می‌ایستد
 Hep utancın kar kışında kaldık
 ما همیشه در برف زمستان شرم ماندیم
 Alkışlara kandık
 تمسخر شدیم
 Öyle yorgun öyle beter sabahlara kalktık
 خسته به خواب رفتیم خسته‌تر بیدار شدیم

Bir hayalim gözlerinde saklı
رویای من در چشمان تو پنهان است
Ne giden var ne beklenen yarınlardan artık
از فردا نه کسی می‌رود نه به انتظار می‌ایستد
Artı hep anlattım biliyor musun
همیشه گفتم می‌دونستی؟
Dedim ki dili yok bunun
گفتم که این زبان نداره
Kimsesi kimi yok onun
اون کس و کاری نداره
Neşesi düşü yok şunun
رویای شادی نداره
Dedi ki düşür omzunu
او گفت از شانه‌ات ببنداز
Ne şiiri ne şarkısı
نه شعری و نه ترانه‌ای
Yok işte bir şey oldu
نه دیگه، اتفاقی افتاد
Öyle değil işte olmalı bir çözümü
این‌طور نباید باشه، باید راه‌حلی وجود داشته باشد
Biz onca gece uykumuzu yok yere mi böldük
این همه شب بی‌خوابی‌ها بی‌خودی بود؟
Acıları çekip gözlerini silmiş insanları düşün
به افرادی فکر کن که رنج می‌کشند و چشم‌های خود را پاک می‌کنند
Paramparça düşü
به حال پریشان‌شان فکر کن
Unutulacak dünler
دیروزها فراموش خواهد شد
Yaşanılacak günler var
روز‌هایی که می‌توان زندگی کرد وجود دارد
Öyle günler var
چنین روز‌هایی وجود دارد
İnan
باور کن

Yalanmış ziyanmış hayat deyip gitme

همین طوری نگو، نگو زندگی از دست رفته

Hep utancın kar kışında kaldık

ما همیشه در برف زمستان شرم ماندیم

Alkışlara kandık

تمسخر شدیم

Öyle yorgun öyle beter sabahlara kalktık

صبح‌های با خسته‌کننده و سختی را در مقابل داشتیم

Bir hayalim gözlerinde saklı

رویای من در چشمان تو پنهان است

Ne giden var ne beklenen yarınlardan artık

از فردا نه کسی می‌رود نه انتظار می‌کشد

Hep utancın kar kışında kaldık

ما همیشه در برف زمستان شرم ماندیم

Alkışlara kandık

تمسخر شدیم

Öyle yorgun öyle beter sabahlara kalktık

صبح‌های خسته‌کننده و سختی را در مقابل داشتیم

Bir hayalim gözlerinde saklı

رویای من در چشمان تو پنهان است

Ne giden var ne beklenen yarınlardan artık

از فردا نه کسی می‌رود نه انتظار می‌کشد

Mevcut düzen dahilinde ne aşkı

با این شرایط موجود، عشق کجا بود

Avunduğun her şey sahte yok aslın

هر چیزی که به‌دست می‌آید دروغه، واقعی نیست

Geriye ne kalmış

چی باقی مونده

Düşlediğim bir yaşam ve utandığım korkular var

فقط زندگی که در تصور هست و ترس‌هایی که از شون خجالت می‌کشم

Gönlümü vermişken hem de

در زمانی که عاشق شدم

Anlıyorken bir halkı

در حالی که آدم‌ها رو درک می‌کنی

Uykusuzluk sende artık
 دیگه خواب نداری
 Onlar temizlerler vicdanlarını
 آن‌ها وجدان خود را پاک می‌کنند
 Açsa karnın yağma artık isyan sayılır
 غارت شورش‌یست در مقابل گرسنگی
 Bir anne vedasıdır gerçek hicran tanımı
 تمثیل یک هجران، وداع یک مادر است
 Kazanmak kirlidir kaybedelim insan kalırsız
 به‌دست آوردن کثیف است، از دست که بدهیم، انسان خواهیم بود
 Kocaman bir sofrâ düşün mahallenin ortasında
 به یک سفره بزرگ در وسط محله فکر کنید
 Dünyanın tam ortasında
 مطلقاً در وسط دنیا
 Güneşler büyütür üstümüzde sonra
 خورشید بر روی ما خواهد تابید
 Kalır burjuva düşlerin yalanlardan arda
 رویاهای بورژوازی تو در پشت دروغ‌ها باقی خواهد ماند
 İyi söz yazarlarının ne kadar hükmü kaldı
 از محکومیت نویسندگان خوب چه‌قدر باقی مانده؟
 Ben sana bu çiçekleri mezarlıktan çaldım
 من این گل‌ها را برای تو از قبرستان دزدیدم
 Çok uluslu yalnızlıkların yanında uzandım
 در کنار تنهایی‌های غربت، زیاد دراز کشیدم
 Gökyüzü çok yıldızlı
 آسمان بسیار پرستاره است
 Unutulacak dünler
 دیروزها فراموش خواهد شد
 Yaşanılacak günler var
 روزهایی که می‌توان زندگی کرد وجود دارد
 Öyle günler var
 چنین روزهایی وجود دارد
 İnan
 باور کن

Yalanmış ziyanmış hayat deyip gitme

همین طوری نگو، نگو زندگی از دست رفته

Hep utancın kar kışında kaldık

ما همیشه در برف زمستان شرم ماندیم

Alkışlara kandık

تمسخر شدیم

Öyle yorgun öyle beter sabahlara kalktık

صبح‌های خسته‌کننده و سختی را در مقابل داشتیم

Bir hayalim gözlerinde saklı

رویای من در چشمان تو پنهان است

Ne giden var ne beklenen yarınlardan artık

از فردا نه کسی می‌رود نه انتظار می‌کشد

Hep utancın kar kışında kaldık

ما همیشه در برف زمستان شرم ماندیم

Alkışlara kandık

تمسخر شدیم

Öyle yorgun öyle beter sabahlara kalktık

صبح‌های خسته‌کننده و سختی را در مقابل داشتیم

Bir hayalim gözlerinde saklı

رویای من در چشمان تو پنهان است

Ne giden var ne beklenen yarınlardan artık

از فردا نه کسی می‌رود نه انتظار می‌کشد



آهنگ «بای دوگرو» از «گولبن ارگن»، به معنی آقای حق یا آقای همه‌چی دون است.

آهنگ بای دوگرو

Gülben Ergen از Bay Dogru

Bir defa aşktan soğuyunca muhtemelen çok zor

خیلی سخت که یک بار از عشق سرد بشی

Bir daha sevmek istemiyorsun

اون موقع است که دوست نداری دوباره عاشق شوی

Hele senle aşk değil bu, çok kurallı bir okul

تازه رابطه با تو عشق نیست یه مدرسه با کلی قانونه

Sevmedikçe kaytariyorsun

که اگه عاشق نشی رفوزه می‌شی

Sen doğru ben bayağı yanlış

حق با شماست، من خیلی اشتباه می‌کنم

Bay doğruyla bayan yanlış

آقا درسته و خانوم اشتباهه

Sanki her şey sana kalmış

انگاری که همه چیز به تو رسیده

Dünya istediğin kadarmış

دنیا همان‌طوری که تو می‌خواهی باشه

Yok mu bu işte bir yanlış

به نظرت در هیچ جای این کار خطایی وجود ندارد

Herkes ellerinden kaymış

همه از دستت در رفتن

Yalnız tahtında otur dur o zaman

تنها رو تخت سلطنت بشین و به همون شکل بمان

Sen doğru ben bayağı yanlış

حق با شماست، من خیلی اشتباه می‌کنم

Bay doğruyla bayan yanlış

آقا درسته و خانوم اشتباهه

Sanki her şey sana kalmış

انگاری که همه چیز به تو رسیده

Dünya istediğin kadarmış

دنیا همان‌طوری که تو می‌خواهی باشه

Yok mu bu işte bir yanlış

به نظرت در هیچ جای این کار خطایی وجود ندارد؟

Herkes ellerinden kaymış

همه از دستت در رفتن

Yalnız tahtında otur dur o zaman
 تنها رو تخت سلطنت بشین و به همون شکل بمان
 Bir ara kendine gelince yalanı durdur
 زمانی که به خودت آمدی این دروغو تمومش کن
 Aklındakinden kaçyorsun
 داری از چیزی که منطق می‌گه فرار می‌کنی
 Sevdiğini söylemek de çok güzel huydur
 کار قشنگیه اگه آدم بتونه عشقش رو ابراز کنه
 Gecikince kayboluyorsun
 اگر سر نجنبونی گم می‌شی و از دست می‌دی
 Sen doğru ben bayağı yanlış
 حق با شماست، من خیلی اشتباه می‌کنم
 Bay doğruyla bayan yanlış
 آقا درسته و خانوم اشتباهه
 Sanki her şey sana kalmış
 انگاری که همه چیز به تو رسیده
 Dünya istediğin kadarmış
 دنیا همان‌طوری که تو می‌خواهی باشه
 Yok mu bu işte bir yanlış
 به‌منظرت در هیچ جای این کار خطایی وجود ندارد؟
 Herkes ellerinden kaymış
 همه از دستت در رفتن
 Yalnız tahtında otur dur o zaman
 تنها رو تخت سلطنت بشین و به همون شکل بمان
 Sen doğru ben bayağı yanlış
 حق با شماست، من خیلی اشتباه می‌کنم
 Bay doğruyla bayan yanlış
 آقا درسته و خانوم اشتباهه
 Sanki her şey sana kalmış
 انگاری که همه چیز به تو رسیده
 Dünya istediğin kadarmış
 دنیا همان‌طوری که تو می‌خواهی باشه
 Yok mu bu işte bir yanlış
 به‌منظرت در هیچ جای این کار خطایی وجود ندارد؟

Herkes ellerinden kaymış

همه از دستت در رفتن

Şimdi beni onlardan ayır o zaman

با من مثل اونا رفتار نکن



Dünya bu (دنیا همین است)، از رپر معروف «آنیل مورات آجار» معروف به «گازاپیزم» که از جدیدترین های موزیک امسال ۲۰۰۲، این هنرمند معروف است.

Dünya bu

دنیا همین است

Ne yaparsan yap sen, dünya bu

هر کاری که بکنید، دنیا همین است

Bi' gözün gök, bi' gözün toprağa dost

یک چشم به آسمان، یک چشم به زمین ای دوست

Nereye kaçsan, nereye saklansan boş

هر جا فرار کنی، هر جا که پنهان شوی بی فایده است

Ne yaparsan yap sen, dünya bu

هر کاری که بکنید، دنیا همین است

?Bi' ayağın çukurda carpe diem ne

یک پایت در چاله فردا چی؟

(Hasiktir be)

لعنتی

Zaman kanımızı emer

زمان خونمان را می‌مکد

?Ne ki başımıza gelen

این چی بود به سرمون اومد؟

Panik yok moruk gel yaşıma güven

نترس مروک* بیا به سنمون اعتماد کنیم

(Hasiktir be)

لعنتی

Zaman kafamızı deler

زمان سر ما را سوراخ می‌کند

Yüzün gözün nerede bilmem

نمی‌دونم صورتت، چشمت به کجاست

Geçmiş pencerede ömrün

زندگی شما در کنار پنجره گذشته

Gelmiş hep geriden günler

روزها همیشه از پشت سر آمده‌اند

Paralelde yine yeniden

دوباره از نو به‌صورت موازی

?Doğmak yok bu nasıl bi' talep

از نو متولد شدن ممنوع، این چه نوع تقاضایی است؟

Toprak son durağınız hâlen

خاک هنوز هم آخرین ایستگاه است

Yatsan da kulağına sen

حتی اگر روی گوشت بخوابی

(Hasiktir be)

لعنتی

Ne yaparsan yap sen, dünya bu

هر کاری که بکنید، دنیا همین است

Bi' gözün gök, bi' gözün toprağa dost

یک چشم به آسمان، یک چشم به زمین ای دوست

Nereye kaçsan, nereye saklansan boş

هر جا فرار کنی، هر جا که پنهان شوی بی‌فایده است

Ne yaparsan yap sen, dünya bu

هر کاری که بکنید، دنیا همین است

Ne yaparsan yap sen, dünya bu
هر کاری که بکنید، دنیا همین است

Bi' gözün gök, bi' gözün toprağa dost
یک چشم به آسمان، یک چشم به زمین ای دوست

Nereye kaçsan, nereye saklansan boş
هر جا فرار کنی، هر جا که پنهان شوی بی‌فایده است

Ne yaparsan yap sen, dünya bu
هر کاری که بکنید، همین این است

Ne yaparsan yap sen, dünya bu
هر کاری که بکنید، دنیا همین است

Bağırsan duymaz kimsen seni
فریاد بزنی، کسی صدايت را نخواهد شنید

?Oyun yok artık küsmek niçin
وقتی بازی نیست، چرا قهر کنی؟

Kenarda kalmış günler gibi (gibi, gibi)
مانند روزهای جا مونده (مانند، مانند)

Bir de kimileri birileri ölü ve de dirileri görüyorlar
بعضی‌ها مردن و زنده را می‌بینند.

Perileri, yeri meri gayb
پری‌ها، جا ماشون گم شده

Güneşiniz doğmaz yüreğiniz mat
آفتاب طلوع نمی‌کند دلت کدر شده

Dümenine ortak, güvenine kan var
بر دامت شریک، بر اعتمادت خون هست

Bi' cebine bypass bi' cebe demans daha niceleri var
یک جیبیت بای پس، یک جیب بی‌عقل، باز هم مبارک‌های دیگر نگفته هست

Reçetene vasiyet, ecele kucak aç
نسخه وصیتت رو با عجله در آغوش بگیر

Ya da kaç
و یا فرار کن

?Seni bulamaz, seni göremez sanıyor musun
فکر می‌کنی پیدات نمی‌کنه؟ فکر می‌کنی ترا نمی‌بینه؟

Öyle değil ama yine bak
این‌طور نیست، ببین

Seni duyamaz, seni sezemez

تورو نمی‌شنوه، تورو حس نمی‌کنه

Biliyor musun öyle değil ama yine bak

می‌دونی، این‌طور نیست، اما ببین

Geri gelinir, yine dirilir içimizde bu düşlerin yenileri, vah

دوباره برمی‌خیزیم، دوباره برمی‌گردیم، رویاهای تازه از ما، وای

Kimi delirir, kimi sevinir, kimi debelenir ama yine çare bulamaz

یکی دیوانه، یکی خوشحال، یکی مبارزه می‌کنه، ولی باز هم راه‌حلی پیدا نمی‌کنند

Ölüm orada, ölüm burada ediyor yine gözünüze baka baka dans

مرگ آن‌جا و این‌جاست، باز هم به چشمان هم نگاه می‌کند با رقص

Ölüm şurada, ölüm duramaz geliyor yine peşinize koşa koşa kaç

مرگ این‌جاست، مرگ متوقف نمی‌شود، باز هم می‌آید دنبال‌تان، بدو و فرار کن

Ne yaparsan yap sen, dünya bu

هر کاری که بکنید، دنیا همین است

Bi' gözün gök, bi' gözün toprağa dost

یک چشم آسمان است و یک چشم به زمین ای دوست

Nereye kaçsan, nereye saklansan boş

هر جا فرار کنی، هر جا که پنهان شوی بی‌فایده است

Ne yaparsan yap sen, dünya bu

هر کاری که بکنید، دنیا همین است

Ne yaparsan yap sen, dünya bu

هر کاری که بکنید، دنیا همین است

Bi' gözün gök, bi' gözün toprağa dost

یک چشم به آسمان، یک چشم به زمین ای دوست

Nereye kaçsan, nereye saklansan boş

هر جا فرار کنی، هر جا که پنهان شوی بی‌فایده است

Ne yaparsan yap sen, dünya bu

هر کاری که بکنید، دنیا همین است

Ne yaparsan yap sen, dünya bu

هر کاری که بکنید، دنیا همین است

Ne yaparsan yap sen, dünya bu

هر کاری که بکنید، دنیا همین است

مروک*(مرد پیری که جوان دیده می‌شود)

در هفته‌های گذشته بسیاری از چهره‌ها، فعالان مدنی و رسانه‌های ترکیه، با وجود سکوت مقام‌های رسمی این کشور، قتل مهسا (ژینا) را محکوم کردند. دبیر کل سابق حزب دموکراتیک خلق‌ها، در زندان موهای خود را تراشید.

صلاح‌الدین دمیرتاش، دبیر کل سابق حزب دموکراتیک خلق‌ها که در زندان به سر می‌برد، با تأکید بر این که «مقاومت در برابر ظلم و آزار فقط وظیفه زنان نیست» از مبارزه مردم ایران برای برابری و آزادی که «شجاعانه از سوی زنان رهبری می‌شود»، حمایت کرد. دمیرتاش در پیام خود اعلام کرد: «در کنار مردمی هستیم که برای آزادی در ایران مقاومت می‌کنند. من و همسلول‌ام دکتر سلچوک میزراکلی (شهردار سابق دیاربکر) امروز موهای خود را تراشیدیم.» انجمن قلم ترکیه هم هفته گذشته با انتشار بیانیه‌ای نوشته بود:

«شاعر محبوب ما «گلتن آکین» (Gülten Akin) سرود: «گیسوان سیاهم را زدم.» اکنون زنان در سراسر ایران گیسوان خود را می‌زنند تا بگویند «من روشنایی‌ام، دیوانه‌ام، چارسوی بادهایم.» گیسوهایشان را به جای سلاح، به جای پرچم، به جای صدا، به جای کلمه به کار می‌برند! زنان ایرانی می‌گویند بس است. و این بار مردان‌شان را کنار خود دارند! مردم با آگاهی از این که خشونت علیه زنان نه تنها علیه زنان، بلکه علیه تمام بشریت اعم از زن و مرد است، به ستمکاری حاکمیت اعتراض می‌کنند. مسئله دیگر روسری یا تار مو نیست، بلکه مبارزه برای آزادی، برابری و زندگی با کرامت انسانی است.»

در هفته‌های گذشته در ازمیر، وان، حکاری، دیاربکر و استانبول، زنان با بیانیه‌های مطبوعاتی و راهپیمایی، به کشته شدن مهسا به دست نیروهای گشت ارشاد اعتراض کرده و خشونت‌های بی‌پایان حکومت اسلامی را نسبت به زنان محکوم کردند.

شامگاه دوشنبه ۲۶ سپتامبر - ۴ مهر ملک موسو، موسیقی‌دان و خواننده مشهور ترکیه، برای حمایت از زنان ایران موهای خود را حین اجرا در یک کنسرت موسیقی قیچی کرد.

ترانه «اگر بزنند نمی‌توانم بمیرم» و «هیچ نوری نیست» از شناخته شده‌ترین ترانه‌های موسوست که بیش از صد میلیون مخاطب داشته است.

ابراهیم تاتلی‌سس، که خواننده معروف ترکیه و کردتبار است و افکار راستی دارد هم در یک استوری در اینستاگرام خود، برای مهسا امینی و اعتراضات در ایران نوشت: «هیچ نوشته و کلمه‌ای نمی‌تواند نشان دهد که چه قدر از مرگ مهسا امینی غمگین هستم.»

این خواننده، در این پیام نوشت که از مهسا امینی و زنانی که برای آزادی می‌جنگند، حمایت می‌کند و افزود: «خدا حامی تمام زنان است.»

پس از جی. کی. رولینگ، نویسنده مطرح بریتانیایی، دو نویسنده زن مطرح دیگر در ادبیات جهان، مارگارت اتوود نویسنده کانادایی و الف شفق (الیف شافاک) نویسنده ترکیه‌ای از مبارزات زنان ایرانی برای احقاق حقوق‌شان پس از جان باختن مهسا امینی حمایت کردند.

خانم شفق در دومین نوشته خود درباره مهسا امینی در شبکه‌های اجتماعی، به اولین فعالان زن ایرانی که برای «حقوق زنان و حق رای زنان» مبارزه کردند، ادای احترام کرد.

این نویسنده ترک که آثارش به زبان فارسی نیز ترجمه شده، در حساب اینستاگرام خود با باز نشر عکسی از اولین فمینیست‌های ایران نوشت: «این یک مبارزه طولانی است، یک مبارزه سخت.»

وی افزود: «همه ما مدیون مادر بزرگ‌ها، مادر مادر بزرگ‌هایمان هستیم، زنانی که شجاعانه برای ابتدایی‌ترین حقوق بشر جنگیدند و خواستار برابری و حق رفتار با احترام و عزت بودند.»

الف شفق در روز جان باختن مهسا امینی نیز با انتشار عکسی از او نوشت: «آن قدر غمگینم که نمی‌دانستم تمام روز چه بنویسم، قلبم درد می‌کند.»

این نویسنده اهل ترکیه خطاب به مهسا امینی اضافه کرد: «خواهر، ما از سرزمین‌های مشابه، جغرافیا و فرهنگ‌های مشابه آمده‌ایم.»

چند سال پیش، خود خانم شفق در ترکیه به دلیل پرداختن به موضوعاتی چون تعرض به کودکان و خشونت علیه زنان تحت تعقیب قضایی قرار گرفته بود.

شفق سه سال پیش درباره جنجالی که در مورد یکی از کتاب‌هایش به وجود آمد، گفت در ترکیه «به جای تغییر قوانین و اقدام عاجل برای از بین بردن خشونت جنسی، نویسندگان را دادگاهی می‌کنند.»

پیش‌تر در سال ۲۰۰۶ شفق، رمان «حرامزاده استانبول» را به انگلیسی نوشت که پرفروش‌ترین کتاب ۲۰۰۶ ترکیه و نامزد جایزه پرتقال طلایی شد.

او در این رمان به روابط ترک‌ها و ارمنه و نسل‌کشی ارمنه که رسماً توسط حکومت ترکیه انکار می‌شود پرداخت و به همین خاطر متهم به اهانت به هویت ترکی شد و سه سال تمام در معرض تهدید به حبس بود. هر چند به دلیل نقص ادله جرم، حکم برائت گرفت. این اثر شاید اولین کتاب ترکی بود که مستقیماً به قتل عام بی‌رحمانه و نفی بلدی اشاره می‌کند که لطمه بسیار شدیدی به جمعیت ارمنه کشور در آخرین سال حکومت عثمانی وارد کرد.

شافاک که در ایران به الیف شفق نیز شناخته می‌شود از برجسته‌ترین نویسندگان ترکیه است. او همچنین به زبان انگلیسی رمان‌هایی نوشته و از نویسندگان مطرح جهانی به شمار می‌رود. این نویسنده از فعالان حقوق زنان نیز می‌باشد.

علاوه بر الف شفق، چند هنرمند ترکیه نیز در روزهای اخیر با مردم معترض، خشمگین و انقلابی ایران، ابراز همدردی و همبستگی کرده‌اند.

نورگل یشیلچای بازیگر، ابرو گوندش خواننده، ادا اجه بازیگر، گوکان آلکان بازیگر، از جمله این هنرمندان ترکیه بودند.

بسیاری از اهالی هنر و سینمای ترکیه، از قبیل ملک موسو، پینار دنیز، گوکان آلکان، چاغلار ارطغرل (نقش سردار در سریال تشکیلات) آنیس آریکان، اصلی‌حان مالپورا و نورگل یشیلچای، غزال کایا، جمره بایسال، ملیسا اسیل‌پاموک، دمت اوزدمیر، ستاره آکباش، دنیز ایشین، سرکان توتونجو، داملا سونمز، ایلایدا آکدوغان غیره نیز با هشتگ «مهسا امینی» همبستگی خود با معترضان ایرانی را اعلام کرده‌اند.

مبارزه‌ی مهسا مبارزه‌ی ماست؛ نگرش جامعه‌ی مدنی ترکیه به قتل مهسا امینی

نهال تابش

[Telegram](#)

[Twitter](#)

[Facebook](#)



«روزهاست که خیابان‌های ایران می‌سوزد. روزهاست که در سراسر دنیا، ما زنان از درون می‌سوزیم. خشم و عصیان مان بیشتر می‌شود. خشونت دولتی یک زن دیگر را به دلیل نپذیرفتن مرزهای تحمیل‌شده کشت.»
بخشی از بیانیه‌ی گروه «زنان در کنار هم پرتوان‌اند» در مقابل کنسولگری ایران در استانبول

قتل مهسا امینی و اعتراضات زنان ایرانی

در پی مرگ ژینا (مهسا) امینی، دختر ۲۲ ساله‌ی ایرانی، در هنگام دستگیری و بازداشت توسط گشت ارشاد، موج اعتراض ایران را فرا گرفت. در اعتراض به مرگ ژینا، زنان و مردان ایرانی به خیابان‌ها آمدند و تصاویری تکان‌دهنده خلق کردند.

مرگ ژینا اما فقط در ایران بازتاب و واکنش گسترده‌ای نداشت. سیاستمداران و اشخاص نامدار در سطح جهانی به مرگ ژینا واکنش نشان دادند. در این میان، زنان، رسانه‌ها، فعالان سیاسی و اجتماعی و سلبریتی‌های ترکیه واکنش‌های چشمگیری نسبت به قتل ژینا امینی نشان داده‌اند.

سایت **بی‌بی‌سی** ترکی از اولین رسانه‌هایی بود که در روز قتل ژینا امینی به این موضوع پرداخت و نوشت: «از چند ماه قبل اعتراضات به حجاب در جریان است و فعالان از رعایت حجاب خودداری می‌کنند.» پوشش خبری گسترده‌ی رسانه‌های ترکیه اما یک روز پس از خاکسپاری ژینا امینی و در روز ۲۷ شهریور آغاز شد. خبر دستگیری و مرگ ژینا در صفحه‌ی نخست دو روزنامه‌ی **جمهوریت** و **بیر گون گازیسی** منتشر شد. روزنامه‌ی چپ‌گرای **بیر گون گازیته** با تیتر «زنی پس از بازداشت توسط پلیس اخلاق ایران، در اغما جان باخت»، و **جمهوریت** - که رویکردی لائیک دارد - با تیتر «مهسا امینی، پس از بازداشت توسط "پلیس اخلاق" ایران در اغما درگذشت.» به مرگ سوگناک ژینا پرداختند.

نورگل یشیل‌چای، بازیگر معروف ترک، یکی از اولین سلبریتی‌هایی بود که داستان ژینا را منعکس کرد. او با بازنشر مطلب روزنامه‌ی **سان** نوشت: «باعث تأسفه... افسوس برای همه‌ی زنان در جهان»، و به این ترتیب داستان ژینا را با ۵/۲ میلیون فالوئر خود به اشتراک گذاشت. در همان زمان، او در توئیتر خود نیز، همین متن را با **هشتگ‌های** فارسی و انگلیسی «مهسا امینی» منتشر کرد. اندکی بعد، بسیاری از چهره‌های ادبی و هنری ترکیه داستان ژینا امینی را منتشر کردند. الیف شفق، نویسنده؛ کوکان الکان، هنرپیشه؛ حدیثه، خواننده؛ هولیا اُردمیر، نقاش؛ و بسیاری دیگر از نامداران ترکیه به مرگ ژینا پرداختند.

در این میان، احزاب ترکیه هم در رسانه‌ها از مرگ ژینا امینی نوشتند. احزاب «خلق‌های دموکراتیک»، «حزب چپ»، «حزب کار ترکیه»، «حزب داوا»، «حزب سبز» و... در مورد مرگ ژینا امینی بیانیه صادر کردند.

مبارزه؛ رمز مشترک زنان ایران و ترکیه

زنان و اقلیت‌های جنسی ترکیه همانند هم‌تایان ایرانی‌شان، سال‌هاست که با خشونت، تبعیض، ازدواج اجباری و قتل‌های ناموسی درگیرند. سیاست‌های دولت ترکیه در سال‌های اخیر عرصه را بر زنان و اقلیت‌های جنسی تنگ‌تر کرده است. گرچه دولت ترکیه سکولار است اما قوانین در زمینه خشونت، تبعیض و قتل‌های ناموسی به شکلی وضع شده‌اند که دست خشونت‌گر را باز گذاشته و در معنایی دیگر از آزارگر حمایت می‌کنند. برای مثال، می‌توان به نادیده گرفتن خشونت خانگی، وضع حکم‌های کوتاه‌مدت و چشم بستن بر آزار اقلیت‌های جنسی اشاره کرد.

جمیله باکلجی، سخنگوی سازمان «همبستگی بنفش» - یکی از گروه‌های مستقل زنان فمینیست که فراخوان تجمع زنان فمینیست در مقابل کنسولگری ایران را صادر کرده بود - درباره‌ی این موج گسترده‌ی همبستگی چنین می‌گوید:

«ایران از ما دور نیست. خصومت نسبت به گروه‌های LGBTQ+ در ترکیه شدت گرفته است. در آخر هفته‌ی گذشته با حمایت دولت، با اجازه‌ی فرمانداری و با حمایت تبلیغاتی RTÜK (شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه)، گروهی از اوباش مرتجع اسلام‌گرا و یک گروه نژادپرست دیگر که خود را جمهوری‌خواه می‌نامیدند، به خیابان‌ها آمدند و با شعارها و پلاکاردهای نفرت‌پراکن علیه گروه‌های LGBTQ+ راهپیمایی کردند. حضور در خیابان‌های ترکیه برای کسانی که به دنبال حقوق‌شان هستند، ممنوع است. زنانی که برای مقابله و جلوگیری از زن‌کشی و برای اعتراض به خیابان می‌آیند، در معرض خشونت پلیس، شکنجه و آزار و اذیت‌اند. در ترکیه زنانی که با شوهران و پدرانشان مخالفت می‌کنند، و زنانی که خواستار طلاق‌اند، کشته می‌شوند و مردان از مجازات در امان می‌مانند. شورش زنان در ایران و قتل مهسا امینی شباهت زیادی به چیزی دارد که در اینجا در جریان است. عصبانیت‌مان هم.»

«این روزها برداشتن حجاب از امری فردی به امر جمعی بدل شده است. این روزها صدای آشنایی از خیابان‌های

تهران به گوش می‌رسد: "زن، زندگی، آزادی"»

در اول ژانویه ۲۰۲۱ دولت ترکیه از «کنوانسیون استانبول» خارج شد. بر مبنای این کنوانسیون، کشورهای عضو موظف‌اند که هرگونه خشونت - از خشونت کلامی تا خشونت فیزیکی، تجاوز، قتل ناموسی، سقط جنین اجباری و ازدواج اجباری - را در قانون کشور «جرم» نامیده و مجازات‌های لازم برای مجرم را پیش‌بینی و تصویب کنند. به‌رغم اعتراض فعالان و طرفداران حقوق زنان و درخواست تجدید نظر، مقامات قضائی ترکیه این درخواست را رد کردند. دولت اردوغان با انتشار بیانیه‌ای در دفاع از تصمیم دولت اعلام کرد: «خروج کشور ما از کنوانسیون به نقص قانونی یا عملی در جلوگیری از خشونت علیه زنان نخواهد انجامید». فعالان و حامیان حقوق زنان اما معتقدند که تصمیم دولت در جهت راضی کردن طرفداران رادیکال مسلمانانش بوده است، کسانی که می‌گویند به قوانین غربی برای حمایت از خانواده و زناشایان نیاز ندارند.

در ۲۵ آوریل ۲۰۲۲ احکام سنگینی برای فعالان حقوق بشری پرونده‌ی سال ۲۰۱۳ «پارک گزی» صادر شد. عثمان کاوالا، فعال و بشردوست ترکیه‌ای، به حبس ابد محکوم شد، اتهامی که در سال ۲۰۱۸ از آن تبرئه شده بود. هفت نفر دیگر نیز به ۱۸ سال زندان محکوم شدند. اردوغان در ۲۷ آوریل در مهمانی افطاری با برخی از سازمان‌های غیردولتی استانبول، درباره‌ی عثمان کاوالا **گفت**: «این مرد پشت صحنه‌ی این اتفاقات بود، او هماهنگ‌کننده‌ی وقایع گزی بود.»

در ژانویه ۲۰۲۲، دو هفته پس از آنکه سزن آکسو، خواننده‌ی مشهور پاپ ترکیه، ویدیو کلیپ جدیدی از آهنگ سال ۲۰۱۷ خود، «چیز فوق‌العاده‌ای را زندگی کردن»، منتشر کرد، حساب‌های شبکه‌های اجتماعی حامی دولت، حملات گسترده‌ای را علیه او آغاز کردند و جمله‌ی «بر حوا و آدم جاهل سلام کن» را اهانت به مقدسات مذهبی خواندند. پس از آن، سیاستمداران و همچنین سازمان‌های غیردولتی و رسانه‌های طرفدار دولت، آکسو را هدف قرار دادند. و در آنکارا گروهی از مردان به دلیل «توهین به ارزش‌های مذهبی» و حمله به اسلام از آکسو **شکایت کردند**.

در ۲۵ اوت امسال هم گلشن، خواننده‌ی محبوب پاپ ترکیه، نیز به علت شوخی با مدارس مذهبی «امام خطیب» و به اتهام «تحریک مردم به نفرت و خصومت»، دستگیر شد. او پس از چهار روز حبس، تا ۱۲ سپتامبر در بازداشت خانگی به سر برد. گلشن همواره به دلیل سبک پوشش خود و حمایت از گروه‌های LGBTQ+ از سوی رسانه‌های طرفدار دولت «وقیح» خوانده شده است. فعالان سیاسی و اجتماعی معتقدند که دلیل این دستگیری تلاش برای مرعوب کردن مخالفان و راضی نگه داشتن موافقان اسلام‌گرای اردوغان در انتخابات سال آینده **است**.

تشدید حملات اسلام‌گرایان در ترکیه به زنان و هنرمندان و مشابهت وضعیت ترکیه کنونی به سال‌های نخست انقلاب ایران، سبب شده تا زنان ترکیه، مبارزه‌ی زنان ایرانی برای دسترسی به حقوق‌شان را نه صرفاً موضوع کشور همسایه بلکه بخشی از مسئله‌ی خود بدانند. جمیله باکلجی می‌گوید: «گروه‌های مذهبی مطالبه می‌کنند: قرارداد استانبول فسخ می‌شود. گروهی از مردان خود را پدرانی دردمند می‌خوانند: حق نفقه ما قطع می‌شود. بازیگران هدف قرار می‌گیرند. کنسرت ممنوع می‌شود. هنرمندان و روزنامه‌نگاران دستگیر می‌شوند. به‌رغم همه‌چیز، ما تحت فشار و در نظامی فاشیستی زندگی و مقاومت می‌کنیم، فاشیسمی که در آن زنان تنها زمانی انسان به شمار می‌روند که جزئی از خانواده باشند، خانواده‌ای که با خشونت در آن زندانی می‌شوند. گروه‌های LGBTQ+ نادیده گرفته می‌شوند. ایران از ما دور نیست. در این کشور، قانون علیه افشار خاص جامعه، علیه زنان، علیه دگرباشان جنسی و... عمل می‌کند.»

او درباره‌ی علت فراخوان تجمع اعتراضی ۳۰ شهریور در مقابل کنسولگری ایران در اعتراض به قتل ژینا امینی می‌گوید: «"گروه زنان در کنار هم پرتوان‌اند" مسئول این تجمع بود. این گروه، متشکل از سازمان‌های مختلف زنان و فمینیست‌هاست. ما در کنار هم با تبعیض و خشونت علیه زنان می‌جنگیم. تعداد زیادی از زنان و اقلیت‌های دگرباش ایرانی به فراخوان ما پاسخ مثبت دادند. در سراسر جهان، زن‌کشی در حال افزایش است. فشار بر نحوه‌ی انتخاب و زندگی زنان بیشتر می‌شود. مبارزه با دولت‌ها و رژیم‌های سرمایه‌دار و مردسالار، زنان را نزدیک‌تر کرده و مبارزان را متحد می‌کند. ایران خیلی نزدیک است. خاک و فرهنگ به هم نزدیک‌اند. به همین دلیل، در خشم و عصبان شریک‌اند. وقتی مبارزه می‌کنیم، از یکدیگر نیرو می‌گیریم.»

او درباره‌ی موج جدید سرکوب در ترکیه می‌گوید: «همانند رژیم ایران، دولت فعلی ترکیه هم می‌خواهد تحت لوای شریعت حکومت کند. اما زنان و گروه‌های LGBTQ+ مدت‌هاست که در مقابل این امر مقاومت، مخالفت و شورش کرده و می‌کنند. اما با افزایش فقر، فساد و دزدی در نهادهای دولتی، خشم انباشته‌شده در جامعه، در نهایت متوجه زنان، دگرباشان جنسی، مهاجران و حیوانات می‌شود.»

در بخش دیگری از بیانیه‌ی «گروه زنان در کنار هم پرتوان‌اند» در مقابل کنسولگری استانبول آمده است: «این روزها برداشتن حجاب از امری فردی به امر جمعی بدل شده است. این روزها صدای آشنایی از خیابان‌های تهران به گوش می‌رسد: "زن، زندگی، آزادی" [1]»



نویسنده رمان مشهور ملت عشق: از دیدن شجاعت و مقاومت زنان افغانستان حیرت زده شده‌ام

یکشنبه ۲۳/۰۵/۱۴۰۱

افغانستان

الیف شافاک نویسنده ترکی - بریتانیایی می‌گوید از دیدن شجاعت و مقاومت زنان افغانستان دچار حیرت شده است. نویسنده رمان مشهور ملت عشق در توییتی نوشت که طالبان روز شنبه تظاهرات مسالمت‌آمیز زنان معترض را با ارعاب و خشونت متوقف کردند، اما جهان نمی‌تواند صدای این زنان را نادیده بگیرد. به گفته خانم شافاک شهروندان جامعه بشری نمی‌توانند مردم افغانستان را فراموش کنند. الیف شافاک همچنین ویدیویی از تظاهرات روز شنبه زنان در شهر کابل را به اشتراک گذاشته است. روز شنبه، ۲۲ اسد، در آستانه سالگرد تسلط طالبان بر افغانستان گروهی از زنان به خیابان ریختند و علیه طالبان اعتراض کردند. طالبان بعد از دقایقی این تظاهرات را به خشونت کشیدند و با شلیک‌های هوایی، تجمع زنان را متفرق کردند. خبرگزاری فرانسه گزارش داده است که افراد طالبان شماری از زنان معترض و خبرنگارانی را که برای پوشش اعتراض روز شنبه زنان به محل رفته بودند نیز مورد ضرب و شتم قرار دادند. الیف شافاک برنده نشان شوالیه، از مدال‌های فرهنگی مهم فرانسه است. خانم شافاک در افغانستان با رمان ملت عشق (به انگلیسی ۴۰ قانون عشق) به شهرت رسید. این رمان در مورد زندگی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، شرح رابطه او با شمس و تشریح نوع نگاه و سلوک عارفانه اوست.

